**شعله های خشم زنان و بازتاب آن در مبارزات !**

**به پیشواز روز جهانی زن به افغانستان می رویم** و می بینیم که چگونه زنان پیشرو علیه طالبان، یکی از وحشی ترین دولت های ضد زن جهان، شجاعانه مبارزه می کنند. زنانی که پر قدرت اعلام کردند «حکومت طالبان را به رسمیت نمی شناسند»، «به عقب بر نمی گردند»، «به حجاب اجباری تن نمی دهند» و «اسارت را نمی پذیرند». زنانی که با سری افراشته در برابر طالبان این «ارمغان» امپریالیست های آمریکائی و مرتجعین منطقه، ایستاده اند. زنان آگاهی که میدانند مردم ستمدیده افغانستان در موقعیت بی کاری، فقر و گرسنگی به سر می برند، به درستی با طرح خواسته ای هم چون «نان، کار، آزادی»، نقش و رسالت پیشتازی خود را در مبارزه به عهده گرفته اند. این زنان با صلابت و استواری در مبارزات شان اعلام کردند که نه به طالبان و انواع و اقسام بنیادگرایان اسلامی که تا مغز استخوان زن ستیزند و نه به حافظین امپریالیستی مردسالار آنان گردن نخواهند گذاشت. مبارزه بی امان زنان علیه طالبان ضد زن از قبل از قدرت گیری تا کنون، الهام بخش همه زنان در سراسر جهان است.

این حقیقت هم باید بیان کرد که در بین زنانی که در افغانستان مبارزه می کنند، مثل همه جا، گرایشات گوناگون عمل می کند. از گرایشی که کماکان پس از جنایت امپریالیست های آمریکائی با هموار کردن راه قدرت گیری طالبان، چشم به «جامعه جهانی» دوخته است و از آنان طلب کمک می کند، تا گرایش رادیکالی که تنها راه کسب خواسته های زنان را در سرنگونی انقلابی امارت اسلامی و قطع دست امپریالیست ها جستجو می کند.

**به پیشواز روز جهانی زن به ایران می رویم.** جائی که طغیان عریان زنان را در همه ی مبارزات و خیزش ها با حضور پر تعداد و چشم گیرشان می توان دید. جائی که صدای خشم و نفرت زنان علیه رژیم در همه مبارزات چنان طنین افکنده است که سران مرتجع و زن ستیز حاکم را به هراس انداخته است.

**اما، چرا زنان این چنین پرقدرت نقش برجسته ای را در همه مبارزات بر عهده گرفته اند؟**

چهل و سه سال پیش یعنی زمانی که رژیم جمهوری اسلامی به قدرت رسید، به مردم ایران، به مردم منطقه و به کل مردم جهان اعلام کرد که در پی سازماندهی جامعه ای است که نماد و پرچم ایدئولوژیک اسلامی آن با حجاب اجباری تعیین خواهد شد. اولین قدم برای رسیدن به این هدف این بود که بتواند تن و جسم و روان زنان را با تازیانه شریعت اسلامی و سنت های زن ستیزانه مورد حمله وحشیانه قرار دهد. این حمله با قرار دادن زنان در قفسی به نام حجاب اجباری آغاز شد و با تصویب انواع و اقسام قوانین و مجازات های اسلامی علیه آنان تکمیل شد.

برای تضمین گردن گذاشتن زنان به حجاب اجباری و قوانین حکومت تئوکراتیک، نیروی سرکوب گر مخصوص زنان را به کوچه و خیابان اعزام کرد، در مدارس، دانشگاه ها و ادارات دم و دستگاه کنترل زنان را دایر کرد و در خانه ها، اکثریت مردان را با دادن امتیازات ویژه به آنان، به عنوان نمایند گان خود برای اجبار زنان به گردن گذاشتن به باید ها و نباید های تعیین شده، به صف کرد.

در تمامی طول چهل و سه سال گذشته جمهوری اسلامی بی وقفه تلاش کرد تا با وسعت بخشیدن به قوانین ضد زن، با حمایت قانونی و اشاعه فرهنگ غیرت و ناموس پرستی در بین مردان، با اختصاص بودجه های کلان برای کنترل زنان در اجتماع و....، فضای نفس کشیدن را برای زنان تنگ تر کند. تا از این طریق بتواند جایگاه فرودست زنان را به امری پذیرفته شده در بین زنان و کل جامعه، بدل سازد.

اما در مقابل، زنان هم، از همان چهل و سه سال گذشته، با آغاز مبارزه ای قدرتمند علیه حجاب اجباری که آوازه اش مرزهای جهان را در نوردید، اعلام کردند که بیدی نیستند که با این بادهای مسموم، بلرزند. پرچم مبارزه ای که زنان در ۸ مارس سال ٥۷ علیه رژیم جمهوری اسلامی و فرمان حجاب اجباری اش برافراشتند، در دستان پر قدرت میلیون ها زن خصوصا زنان جوان نسل به نسل در تمامی این سال ها، در اهتزاز نگاه داشته شد.

با ادامه یابی سرکشی های زنان و عبور از خط قرمز های تعیین شده خصوصا خط قرمز اصلی رژیم در عدم رعایت حجاب اجباری و حضور فعالانه و گسترده آنان در خیزش ۸۸ بود که رژیم نشانه های شکست برنامه های خود در پرورش زن مدل اسلامی مورد دلخواهش را به روشنی دید. پس از خیزش ۸۸، زنان به اشکال گوناگون مبارزه خود را از زندان تا خیابان، از مدرسه تا دانشگاه، علیه حجاب اجباری و سایر عرصه های ستم جنسیتی به شکل آگاهانه و یا خود به خودی، جمعی و یا فردی ادامه دادند. اما، با باز تر شدن دهانه آتشفشان خشم زنان در مقطع دی ۹۶ بود که با لغو حجاب اجباری در اماکن عمومی توسط ویدا موحد و زنان دیگر، رژیم از زاویه ایدئولوژیکی شکست خورد.

این حقیقت را نیز باید در نظر داشت که تبعات افزایش شکاف طبقاتی هم چون بیکاری، بی خانمانی، فقر مطلق، تاثیرات تخریب محیط زیست، بی آبی و... بیش از سایر اقشار بر دوش اکثریت زنان خصوصا زنان کارگر و زحمتکش سنگینی می کند. زنان ملیت های تحت ستم علاوه بر مجموعه این ستم ها، از ستم ملی نیز در رنج اند. در هم تنیدگی ستم طبقاتی و ستم جنسیتی بر زنان در طول حاکمیت رژیم زن ستیز اسلامی، از آنان نیرویی به شدت خشمگین و انفجاری ساخته که بازتاب آن به لحاظ کمی و کیفی در همه خیزش ها و مبارزات گوناگون منعکس است. نقش پیشقراولی زنان در مبارزات باعث شده است که رژیم به این واقعیت اعتراف کند که زنان نقش تعیین کننده ای را در سرنگونی شان بر عهده گرفته اند.

نقش زنان در اعتراضات معلمان، کارگران، بازنشستگان، نقش برجسته و تاثیر گذار زنان در خیزش آبان ۹۸، نقش چشم گیر زنان در دی ۹۸، جهش مبارزه زنان علیه حجاب اجباری در دی ۹۶، همه و همه نشان می دهد شرایط عینی مناسبی به وجود آمده است که زنان بتوانند با پیش گذاشتن خواسته های خود و طرح شعارهایی که بیان زن ستیزی رژیم جمهوری اسلامی را در خود منعکس می کند، به رادیکالیسم جنبش ها و مبارزات گوناگون در جامعه کمک نمایند.

باید به این نکته مهم نیز اشاره شود که اگرچه زنان به مبارزات گوناگون پیوسته اند، اما هنوز خواسته های خود را در این جنبش ها فراگیر نکرده اند و این جنبش ها و گردانندگان آن نیز خواسته های زنان و به طور مشخص ضدیت با حجاب اجباری را به میان نکشیده اند.

طی سال ها، مبارزه روزمره و جسورانه زنان با جمهوری اسلامی، حضور گسترده و الهام بخش آنان در همه جنبش های مردمی و ضد رژیم، ادامه مبارزه آشتی ناپذیرشان در زندان ها، بالا بردن صدای دادخواهی اشان و...، تاثیر تعیین کننده ای را در ایجاد فضای انقلابی و تعیین تکلیف نهائی با رژیم ستمگر و استثمارگر جمهوری اسلامی، در بر داشته است.

پا بپای اوج گیری مبارزات و نقش پررنگ زنان در آنان، مدعیان و مصادره کننده گان این مبارزات هم فراوان شده اند. اگر در گذشته، خود خوانده های جنبش زنان که در طی سالیان طولانی به خاطر تلاش بی وفقه شان برای کشاندن زنان به دنباله روی از جناح «اصلاح طلب» حکومتی از جانب دولت ها و تشکلات رفرمیست زنان در سطح بین المللی، قدردانی می شدند، امروز برخی از اینان با حمایت های مالی نهاد های امپریالیستی و به خاطر خوش خدمتی به آنان، برای انواع و اقسام جایزه ها کاندید می شوند. این دارودسته که امید شان از دربار خلافت اسلامی قطع شده، حال چشم به «ناجیان» امپریالیستی دوخته اند.

هر چند مبارزات زنان در افغانستان و ایران چشم گیر است، اما فعالیت سازمان یافته و متشکل زنان در اقلیت کامل است. برانداختن قدرت های مسلط - قدرت دولت های بنیادگرای اسلامی در هر دو کشور و قدرت مردان- کاری سهل و آسان نیست. نیاز به داشتن تشکلات توده ای، مستقل و انقلابی زنان دارد. نیاز به داشتن افق رهائی بخش دارد. نیاز به سهم گرفتن میلیون ها زن در مبارزه دارد.

ما زنان افغانستانی و ایرانی دست در دست هم و با حمایت و همبستگی جهانی زنان، مصمم هستیم که بی باکانه و آگاهانه در راه تحقق این نیازها برای رسیدن به رهایی، مبارزات خود را پیگیرانه ادامه دهیم و روز جهانی زن را به روزی در خدمت به واقعیت بخشیدن به این آرزوهای دست یافتنی، بدل سازیم.

**زنده باد ۸ مارس، روز اتحاد و همبستگی زنان علیه سیستم مردسالار حاکم بر جهان**

**نشریه هشت مارس شماره ٥٥**

**فوریه ٢۰٢٢ / بهمن ١۴۰۰**